

تاریخ رای نهایی:

۱۹/۰۳/۱۳۹۳

شماره رای نهایی: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۵۰۰۱۸۴

رای بدوی

در خصوص دعوی آقای الف.م. به وکالت از ب. به طرفیت ۱. آقای ع.م. ۲. آقای ح.ل. با وکالت آقای ن.د. به خواسته اعتراض ثالث نسبت به عملیات اجرایی قرار تأمین خواسته صادره از این دادگاه به شماره دادنامه ۲۱۱ مورخ ۹۲/۳/۲۱ موضوع پرونده اجرایی ۹۲۰۰۹۱/۱۱۲/ق منتهی به توقیف دو دانگ مشاع از شش دانگ ملک پلاک ثبتی ۳۹۴۶/۳۸۸ بخش ۱۱ تهران متعلق به خواننده ردیف اول، آقای ع.م. بابت یک فقره چک به شماره ۴۹۳۵۹۶ مورخ ۹۱/۱۲/۱۰ عهده بانک س. شعبه س. تهران به مبلغ ۷/۸۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، دادگاه با توجه به رسیدگی معموله و استماع اظهارات و مدافعات و کلامی خواهان و خواننده ردیف دوم، نظر به اینکه اولاً خواننده ردیف اول آقای ع.م. همان گونه که در متن وکالت نامه بلاعزل مستند دعوی تصریح شده، در راستای اجرای تعهدات خود ناشی از تضمین تسهیلات پرداختی به شرکت ب. سهامی خاص به شماره ثبت . . . ، وکالت نامه رسمی و بلاعزل به شماره ۱۱۰۵ مورخ ۸۵/۱۰/۱۱ دفترخانه . . . را اصالتاً و وکالتاً نسبت به شش دانگ ملک موضوع دعوی به بانک خواهان (معارض ثالث) تفویض نموده و آن را متعلق حق غیر قرار داده و اصل پنج جلد سند مالکیت ملک موصوف را به بانک تحویل داده که در جلسه دادرسی مورخ اصول اسناد مالکیت از سوی وکیل بانک به رؤیت دادگاه رسانده شد. ثانیاً وکالت نامه مستند دعوی در سال ۸۵ تفویض شده در حالی که چک مستند دعوی در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۰ اصدار یافته و گواهی عدم پرداخت آن نیز بیش از سه ماه بعد و در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ صادر گردیده که این فواصل زمانی نیز قرینه‌ای بر صحت ادعای معترض ثالث می‌باشد. ثالثاً در موقعیت زمانی کنونی، عرف حاکم بر جامعه و معاملات افراد، تنظیم وکالت نامه بلاعزل و تحویل اسناد مالکیت به وکیل را به منزله انتقال مورد وکالت تلقی می‌نماید. رابعاً قسمت اعظم وجوه موجود در بانک‌ها از جمله اموال و وجوه متعلق به آحاد ملت بوده که بانک‌ها به عنوان امین، مسئولیت نگهداری آن را عهده دار می‌باشند فلذا در موارد شبهه، حفظ حقوق بانک ارجح می‌باشد. خامساً با پذیرش اعتراض معترض ثالث، حقوق احتمالی معترض علیه در معرض تضییع قرار نخواهد گرفت چرا که معترض علیه در فرض صدور رأی قطعی به نفع خویش، می‌تواند از محل سایر اموال محکوم علیه یا اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، حقوق ادعایی خویش را استیفا نماید. علی‌هذا با عنایت به مراتب فوق، دادگاه اعتراض معترض ثالث را وارد تشخیص و مستنداً



به مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی، ضمن پذیرش اعتراض مطروحه مقرر می‌دارد اجرای احکام نسبت به رفع توقیف از ملک موضوع دعوی اقدام و عملیات اجرایی را نسبت به سایر اموال محکوم علیه (آقای ع.م.) ادامه دهد. رأی صادره نسبت به آقای ع.م. غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و نسبت به سایرین حضوری و در مهلت مذکور قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد. [رئیس شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران

رای دادگاه تجدید نظر

تجدیدنظرخواهی آقای ح.ل. با وکالت آقای ن.د. نسبت به دادنامه شماره ۷۳۲... ۹۲ مورخه ۹۲/۸/۲۰ صادره از شعبه ۱۱۲ دادگاه عمومی حقوقی تهران که طی آن حکم به رفع توقیف از ملک موضوع دعوی صادر گردیده است وارد و موجه نیست و اصدار رأی موافق قانون و اصول دادرسی است و از ناحیه تجدیدنظرخواه ایراد و اعتراض موجه و مدللی که موجبات نقض و بی‌اعتباری دادنامه تجدیدنظر خواسته را فراهم نماید ارائه نگردیده است تجدیدنظرخواهی متضمن جهت موجه در نقض رأی صادره نمی‌باشد علی‌هذا این دادگاه به استناد ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی و با ردّ تجدیدنظرخواهی دادنامه معترض عنه را تأیید و استوار می‌دارد رأی صادره قطعی است.

[رئیس شعبه ۳۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران - مستشار دادگاه/پژوهشگاه قوه قضائیه